



## مطالعه تطبیقی خانه‌های بازرگانان ارمنی و مسلمان اصفهان

### سده‌های یازدهم تا سیزدهم هجری قمری

#### با نگاه به عوامل اعتقادی و اجتماعی تأثیر گذار\*

سمانه سالک\*\* مهران قرائتی\*\*\* محمدرضا اولیاء\*\*\*\*

#### چکیده

خانه پدیده‌ای است حاصل کنش عوامل گوناگون؛ که فرهنگ و اجتماع در شکل‌دهی آن سهمی بزرگ دارند. در جوامع سنتی، این اثرپذیری در بُعد فرهنگی بسیار بیش از امروز بوده که نتیجه، همسازی بیشتر با ساکنان و شرایط آنان بوده است. شناخت جنبه‌های این برهم‌کنش می‌تواند زمینه‌ساز به کارگیری آن مطابق با امروز باشد. از سوی دیگر، خانه‌های یک دوره تاریخی روشن‌کننده برخی جنبه‌های شرایط اجتماعی زمان خود نیز هستند. این پژوهش به منظور شناخت چگونگی تأثیرگذاری شرایط اجتماعی و اعتقادی ساکنان بر معماری و به‌ویژه سازمان‌دهی فضاهای خانه‌های سنتی ایران در اصفهان عصر صفوی و دوره پس از آن شکل گرفته است.

پرسش این است که چه تفاوت‌هایی در سازمان‌دهی و تزئینات خانه‌های بازرگانان مسلمان و ارمنی اصفهان در دوران حاکمیت سبک صفوی بوده است؟ اصول انتخاب‌شده براساس منظر فرهنگی و اجتماعی و نیز آرای راپوپورت است که عوامل فرهنگی و اجتماعی را در شکل‌دهی بنا در اولویت و مهم‌تر از اقلیم، فن‌آوری و مواد ساختمانی می‌داند. این پژوهش با روش تاریخی - توصیفی و با هدف توسعه‌ای و بهره‌گیری از اسناد، مطالعه میدانی و مصاحبه انجام شده است و یافته‌ها طبق روشی کیفی و از طریق مقایسه و تفسیر تحلیل شده‌اند.

نتیجه‌گیری پس از تقسیم یافته‌ها به دو دسته کلی صورت گرفت: اصول اخلاقی و اعتقادی هم‌چون حریمیت که چگونگی رعایت آن بسته به دین متفاوت بوده است و زمینه اقتصادی و اجتماعی که در دو دوره از حیات شهر اصفهان بررسی شد. مساعدشدن وضعیت سیاسی-اجتماعی کشور، سطح امنیت و بالا رفتن درآمدهای عمومی در این دو دوره زمینه ساخت خانه‌هایی را فراهم آورد که وسعت و تزئینات‌شان در دوره‌های آشفته پیش از آن نظیر نداشت. خانه‌های مورد بررسی ارامنه مربوط به دوره اول (عصر صفویان) و خانه‌های مسلمانان مربوط به دوره دوم هستند که به دلیل تفاوت شرایط زمان، هرگز از لحاظ ساخت و تزئینات، هم‌پایه سرای بازرگانان ارمنی نیستند.

نتایجی که به دست آمد، به‌طور کلی نشان‌دهنده تأثیر آشکار شرایط اجتماعی در تفاوت‌ها بود. اما موارد فرهنگی و اعتقادی که هر بار خود را به‌گونه‌ای نشان می‌دهند، اثر عمیق‌تر و ظریف‌تری دارند که معمولاً در نگاه اول دیده نمی‌شوند. شکل‌گیری این الگوی ساخت بر اثر سال‌ها تجربه و اصلاح براساس روش و شرایط زندگی بوده است.

#### کلیدواژه‌ها: خانه سنتی ایرانی، اصفهان، سبک صفوی، شیوه اصفهانی، بازرگانان ارمنی

\* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد سمانه سالک با عنوان «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و اعتقادی در سازمان‌دهی فضایی خانه‌های صفوی اصفهان» به‌راهنمایی آقای دکتر مهران قرائتی و آقای دکتر محمدرضا اولیاء است.

\*\* کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشگاه جامع علمی-کاربردی، مشهد. (نویسنده مسئول)

\*\*\* استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

\*\*\*\* استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد.

## مقدمه

خانه و فضا به دفعات و از جنبه‌های گوناگون هم‌چون معماری، جامعه‌شناسی، اقتصاد و روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. اما در بسیاری مواقع جنبه مورد نظر، عمده جلوه داده شده و در نتیجه کمتر به مسکن به‌عنوان پدیده‌ای چندساحتی توجه شده است. حال آن‌که مبنای شکل‌گیری بسیاری از فنون و هنرها از جمله معماری، اصول ریشه‌گرفته از طرز اندیشه و ارزش‌های حاکم بر جامعه، شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و درعین حال شرایط اقلیمی و محیطی است (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۶) که در خانه که بازگوکننده تمامی این‌ها است، نمود عینی یافته‌اند. آموس راپوپورت<sup>۱</sup> (۱۳۸۸)، بر این عقیده است که اجتماع و فرهنگ در تعیین شکل بنا و به‌ویژه خانه اولویت خاصی دارد. براین اساس، خانه‌های سنتی ایران نیز برآیند تمامی عوامل گفته‌شده هستند.

در دوران صفویه و اوایل قاجار خانه‌هایی ساخته شد که چه از منظر معمارانه و چه فرهنگی، قابل توجه‌اند و طبیعی است که بتوان اوج خانه‌هایی را که به‌شیوه معروف به صفوی یا اصفهانی ساخته شده‌اند، در مرکز حکومت صفویان دید. بررسی چگونگی تأثیرگذاری شرایط اجتماعی - اعتقادی در تدوین و سازمان‌دهی فضایی و نیز تزئینات خانه‌های این دوره اصفهان هدفی است که این پژوهش به دنبال آن است. بر اثر حوادث پس از سقوط صفویان و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن و نیز با گذر زمان، بسیاری از خانه‌های اصفهان متروک و سپس ویران شد. در حال حاضر تنها نمونه‌هایی از خانه‌ها باقی هستند که صاحبان آنها از طبقه مرفه عصر خود بوده‌اند و به‌علت کاربرد بهترین مصالح و نیز توانایی نگهداری توسط نسل‌های بعدی به زمان ما رسیده‌اند. از آنجایی که خانه‌های بازرگانان آن دوران از نمونه‌های شاخص باقی‌مانده هستند که آسیب کمتری نیز دیده‌اند، برگزیدن آنها امکان مطالعه دقیق‌تری را می‌دهد که در این تحقیق به هفت نمونه از این خانه‌ها پرداخته شده است.

پرسش این است که چه تفاوت‌هایی در سازمان‌دهی و تزئینات خانه‌های بازرگانان مسلمان و ارمنی اصفهان در دوران حاکمیت سبک صفوی یا دوره اول شیوه اصفهانی بوده است؟ تاکنون هرگاه سخن از خانه‌های سنتی رفته، به ساختار کلی آنها و درنهایت تمایزات‌شان در دوره‌های مختلف پرداخته شده است؛ اما مقایسه خانه‌های یک دوره مشخص تاریخی با یکدیگر و عوامل این تفاوت کمتر مورد پژوهش بوده است. به ویژه این‌که در هنگام مقایسه خانه‌های مربوط به کیش‌های

گوناگون تأکید بیشتر بر نقش عامل فرهنگی بوده و معمولاً در خلال آن به عامل اجتماعی اشاره شده است.

این پژوهش براین اساس و به قصد یافتن نکاتی مبنی بر تفاوت‌هایی که گویای موقعیت اجتماعی و اعتقادی صاحبان خانه‌های مربوط به قشر بازرگان ارمنی و مسلمان اصفهان هستند، صورت گرفته است. خانه‌هایی که هم‌چون دیگر خانه‌های سنتی ایرانی، نمود بستر فرهنگی خویش هستند و روشن‌کننده شرایط اجتماعی و تاریخی آن دوران.

## پیشینه تحقیق

مرتبط‌ترین منبع در این زمینه مقاله‌ای است از معماریان، هاشمی طغرالجردی و کمالی‌پور (۱۳۸۹). این کار با فرضیه شکل‌گیری الگوی خانه زرتشتیان و بهبودیان براساس رسوم دینی آنها و بدون توجه به دوره‌بندی صورت گرفته است. اما پژوهش حاضر در پی ارائه الگو نیست و تفاوت و مقایسه را در جزئیات پی می‌گیرد. علاوه بر آن متفاوت بودن قلمرو مکانی، در نظر گرفتن اقشار اجتماعی و محدود شدن نمونه‌ها به یک دوره و شیوه معماری از دیگر تفاوت‌های کار است. مقاله دیگری نیز از معماریان (۲۰۰۳)، موجود است که در آن خانه‌های مسلمانان و زرتشتیان یزد بررسی شده و در کنار عوامل فرهنگی، دینی و نیز اقلیمی، عوامل اجتماعی هم در نظر گرفته شده است. هم‌چنین قاسمی سیجانی (۱۳۸۷)، در رساله خود که مربوط به گونه‌شناسی خانه‌های اصفهان در دوره قاجار است، به نقش فرهنگ اشاره کرده است. مقاله‌ای از قاسمی سیجانی و معماریان (۱۳۸۹) نیز موجود است که هدف اصلی آن طبقه‌بندی خانه‌های ساخته‌شده در محدوده زمانی و مکانی این تحقیق است اما در کنار آن به برخی تفاوت‌های فرهنگی میان خانه‌های کلیمیان و ارمنه در مقایسه با مسلمانان نیز اشاره شده است. آیوزیان (۱۳۷۸) هم مقاله‌ای دارد که در آن چند خانه مسلمان‌نشین و ارمنی‌نشین اصفهان با یکدیگر مقایسه شده‌اند و درنهایت نتیجه گرفته شده که به جز چگونگی بهره‌برداری از آب و تزئینات هیچ تفاوت دیگری در میان نیست. نویسنده نحوه ورود به خانه، حیاط و اتاق‌ها و میزان درون‌گرایی را از تشابهات دانسته است. در صورتی که در مقاله پیش رو تفاوت‌هایی ظریف در تمامی این‌ها یافت شد. در طی تحقیقات به موارد بسیار دیگری برخورد شد که در آنها به خانه ایرانی یا خانه‌های اصفهان پرداخته‌اند اما نه برای مقایسه میان نمونه‌هایی از آن با یکدیگر و با هدف توجه به تفاوت‌های طبقاتی و دینی‌ای که ساکنان با یکدیگر داشته‌اند.

روش این پژوهش تاریخی-توصیفی است و با هدف توسعه‌ای و بهره‌گیری از اسناد، مطالعه میدانی و مصاحبه انجام شده و در نهایت تحلیل آن برطبق روشی کیفی و از طریق مقایسه و تفسیر بوده است. به منظور پی بردن به تغییرات سیاسی و اجتماعی دوره منتهی به ظهور صفویان تا پس از سقوط آنان و نیز کوچ‌دادن آرامنه به اصفهان و دلایل آن و موقعیت اجتماعی آنها از مطالعه کتاب، مقاله، پایان‌نامه بهره برده شد. سفرنامه‌های دوران صفوی و قاجار بخش مهمی از منابع بودند. پس از آن به منظور شناخت مفاهیم، مطالعه روی خانه سنتی ایرانی صورت گرفت. مصاحبه با اساتید، به‌ویژه به‌منظور شناخت نمونه‌ها، و نیز فردی آگاه از میان آرامنه و نیز بهره از اسناد تصویری و مدارک میراث فرهنگی بخش دیگری از روند جمع‌آوری اطلاعات بود. اما دیگر ابزار گردآوری داده‌ها، مطالعه میدانی شامل بازدید از خانه‌های برگزیده شده، بوده است. پس از پایان بازدیدها، براساس تمامی مطالعات انجام شده و پس از مقایسه و تحلیل، تطبیق و نتیجه‌گیری صورت گرفت.

### تأثیر فرهنگ و اجتماع بر شکل‌دهی خانه

پیش از تلاش برای شناخت و درک عمیق خانه‌های متعلق به یک فرهنگ باید مفاهیم جاری در زمان ساخت آنها را فهمید زیرا همواره روش زندگی‌ای که بر این اساس شکل می‌گرفت، کار معمار را پی ریخته است. اجتماع و شرایط آن نیز همواره عامل تأثیرگذاری بر شکل‌دهی خانه بوده‌اند. تمامی اینها در کنار شرایط اقلیمی و بلکه فراتر از آن قرار داشتند. محقق اجتماعی چون راپوپورت، به دور از نگاهی یک‌جانبه بر این نظر است که شکل خانه تنها نتیجه نیروهای طبیعی یا هر عامل واحد دیگر نمی‌باشد بلکه حاصل مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی- فرهنگی است؛ در عین حال که شکل آن با شرایط اقلیمی، شیوه‌های معماری، مصالح قابل دسترس و فن‌آوری تغییر می‌کند. در نتیجه او دو نیرو را مؤثر می‌داند: نیروهای اجتماعی و فرهنگی به عنوان نیروهای تعیین‌کننده اصلی و دیگر عوامل به‌عنوان نیروهای متغیر تأثیرگذار (راپوپورت، ۱۳۸۸: ۸۳).

بر این اساس، فضا و تناسب فضایی خانه‌های ایرانی نیز متناسب با بستر فرهنگی که دربرگیرنده اندیشه‌ها، آداب و رسوم، سنت‌های زندگی و ارزش‌های زیستی است و نیز شرایط اجتماعی، سازمان‌دهی شده است. موارد در نظر گرفته شده شامل اعتقادات مذهبی و دیگر گرایش‌های ارزشی نظیر حفظ حریم، پاکیزگی، میهمان‌نوازی، صرفه‌جویی و پرهیز

از بیهودگی بوده است تا عوامل اجتماعی مانند امنیت و منزلت اقتصادی- اجتماعی ساکنان (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶: ۳-۱۴؛ پیرنیا، ۱۳۵۳: ۲۵-۳۱؛ معماریان، ۱۳۸۹: ۸؛ پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۸؛ فاضلی، ۱۳۸۵: ۵).

نخست به برخی از مهم‌ترین مفاهیم و عوامل مؤثر بر شکل‌دهی خانه‌های ناحیه مرکزی ایران و به‌طور مشخص، خانه‌های اصفهان، یعنی مذهب، آیین و باورها شامل حریمیت، درون‌گرایی و انس با طبیعت پرداخته می‌شود.

### مذهب، آیین و باورها

مذهب بر شکل، پلان، سازمان فضایی و جهت خانه اثر می‌گذارد (راپوپورت، ۱۳۸۸: ۱۷۰). در بسیاری از تمدن‌ها رعایت جهتی کیهانی برای ساخت خانه ضروری بوده است. محل قرارگیری افراد یا شیوه توزیع فضا براساس رسوم یا آئین در ایران نیز وجود داشته و دارد. گاه ورودی خانه را از برابر ستاره‌ای سعد باز می‌کردند تا هنگامی که مرد خانه به‌قصد ادای نماز صبح بیرون می‌آید، روز را به میمنت آن ستاره آغاز کند (لباف خانیکی، ۱۳۷۴: ۲۷۵). در مواردی که بافت شهر هم‌جهت با قبله شکل گرفته بود، خانه‌ها را تقریباً رو به آن بنا می‌کردند تا علاوه بر بهره از نور خورشید، جهتی مقدس را نیز رعایت کرده باشند. در مقابل، فضای آبریزگاه را رو به قبله نمی‌ساختند و نیز تا گذشته‌نچندان دور در مشهد جهت رو به حرم در ساخت بیشتر خانه‌ها رعایت می‌شد که به چنین خانه‌هایی «رو به حضرت» می‌گفتند. از دیگر آثار آئین‌ها و باورها بر خانه‌های ایران این موارد هستند:

- جدایی فضای اندرونی و بیرونی و تشدید درون‌گرایی (پیرنیا، ۱۳۸۱: ۱۱۳؛ سلطان‌زاده، ۱۳۷۴: ۲۳).
  - پرهیز از بهره‌بردن از نقوش انسانی برای تزئین، به‌علت کراهت دینی به‌ویژه تا اوایل دوره قاجار<sup>۲</sup> (سلطان‌زاده، ۱۳۷۴: ۲۴).
  - نزدیکی با طبیعت و انس با آن به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مردمانی که در جوامع سنتی می‌زیستند (راپوپورت، ۱۳۸۸: ۱۲۱ و ۱۲۲) و امری که جزئی از روحیه و باورهای ایرانیان نیز بوده است. این موارد نشان از این امر دارند:
    - احترام به درخت و باغ‌سازی که تا سده‌ها خاص این سرزمین بوده است (پیرنیا، ۱۳۷۲: ۲۸۵ و ۲۸۶).
    - ساخت حوض در حیاط خانه‌ها.
- این یادکردها در تمامی خانه‌های ایران مرکزی، از جمله



اصفهان دیده می‌شد. در بی‌آبی و گرمای شدید، آب و گیاه مملو از مفاهیم نمادین، بسیار ارزشمند و زندگی‌بخش به محیط بی‌روح‌اند. از حداقل دوران قاجاریه به بعد عناصری مانند مهتابی و بهار خواب هم وارد خانه شدند که جایگاهی بودند برای شب‌های بهار و تابستان و نظاره آسمان. این شیوه ارتباط با بهار و مهتاب و این‌گونه نام‌گذاری فضاها در معماری ایران نشان‌دهنده احترام و ارتباط خاص ایرانیان با پیرامون و طبیعت بوده است (حائری، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

حال، با توجه به جامعه آماری این تحقیق که برخی از خانه‌های تاجرانی از دو کیش متفاوت در اصفهان را در برمی‌گیرد، شرایط اجتماعی این شهر و بازرگانان آن نیز در سده‌های یازدهم تا اواخر سیزدهم ه.ق. (۱۷ تا ۱۹م) مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### شرایط اجتماعی و اقتصادی بازرگانان اصفهان در سده‌های یازدهم تا سیزدهم هجری قمری

با ظهور دولت صفوی و به‌ویژه در زمان شاه‌عباس اول تحولات عظیم اقتصادی در تمام کشور به‌ویژه در اصفهان که در یازدهمین سال سلطنت وی (۱۰۰۶ ه.ق. / ۱۵۹۷ م.) رسماً به پایتختی برگزیده شد، به‌وقوع پیوست. با گسترش سریع پایتخت در عصر شاه‌عباس، این شهر به یک مرکز مهم اقتصادی-سیاسی حتی در سطح جهان و یکی از ثروتمندترین شهرهای دنیا تبدیل شد (شفقی، ۱۳۷۹: ۴۶). به‌گفته سیاح فرانسوی، مادام دیولافوا: «طولی نکشید که این شهر... در طول مدت کمی از حیث تجمل و شکوه و ثروتمندی و ابنیه و قصور عالی بر تمام شهرهای بزرگ آسیا و اروپا برتری پیدا کرد» (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۲۵۵).

دراثر اقدامات شدید شاه‌عباس در حفظ امنیت راه‌ها پس از سده‌ها ناامنی، بازرگانی ایران چنان روبه‌رونق نهاد که نظیرش در هیچ عهدی دیده نشده بود (طاهری، ۱۳۸۰: ۴۱۱). شاه‌عباس اول تسهیلات فراوانی برای تاجران داخلی و خارجی قایل شد. تجارت خارجی در دست ارمنیان بود و تجارت داخلی در دست تجار ایرانی. در این عصر اعتلای اقتصادی که ایران یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان بود، بازرگانان متمول‌ترین مردم زمان خود بودند (نوری، ۱۳۸۵: ۱۳۲؛ امانیان، ۱۳۸۱: ۲۲۱). این شرایط، زمینه ساخت خانه‌هایی شد که نظیرشان پیش از آن ساخته نشده بود.

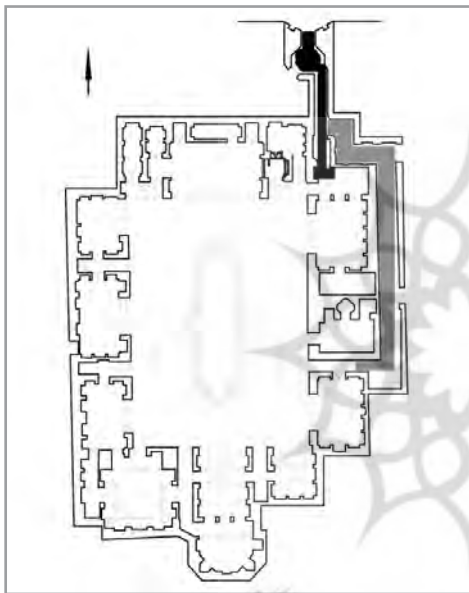
از شواهد<sup>۱</sup> چنین برمی‌آید که زیباترین و بزرگ‌ترین خانه‌ها از آن بازرگانان ارمنی بوده است. شاه‌عباس اول در حدود ۱۰۱۲ ه.ق. ۱۶۰۳ م. نظر به ملاحظات سیاسی و اقتصادی چندین هزار خانواده مسیحی را که در جلفای واقع در کناره رود

ارس ساکن بودند، به اصفهان کوچانید و در جلفای جدیدی که در حوالی پایتخت برای آنان ساخته بود، مسکن داد (جکسن، ۱۳۶۹: ۳۱۶). بازرگانان جلفا دست‌اندرکار تجارت میان ایران، آسیای میانه و هند از یک‌سو و منطقه دریای مدیترانه و اروپا از سوی دیگر بودند (گریگوریان، ۱۳۸۶: ۳۸۳). از این‌رو، شاه‌عباس پس از کوچ‌دادن آرامنه، برای رونق‌بخشیدن دوباره به کارشان در زمینه‌های گوناگون به ایشان مساعدت بسیار کرد. از جمله به استاد بناها و مهندسان ایرانی دستور داد که هم‌تاهای ارمنی خود را در ساخت شهرک جدید یاری کنند (فلسفی، ۱۳۵۳: ۲۰۵). در سایه توجهات و پشتیبانی ویژه شاه‌عباس نه تنها جلفا به صورت شهرکی با ساختمان‌های مجلل، باغ‌های زیبا و کلیساهای باشکوه درآمد بلکه اصفهان نیز مرکز اصلی دادوستد میان هندوستان از یک‌سو و امپراتوری عثمانی، روسیه و اروپا از دیگر سوی بدل شد (کاراپتیان، ۱۳۸۵: ۳۴). شاردن<sup>۲</sup>، خانه‌های آنان را از نظر زیبایی و شکوه در ردیف کاخ‌ها به‌شمار آورده است (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۵۶۹)؛ به‌ویژه خانه‌های آن بخشی که مربوط به آرامنه ثروتمندی بود که در زمان شاه‌عباس اول به اصفهان کوچانده شده و تحت حمایت وی قرار گرفته بودند (همان: ۱۵۶۷)؛ بازرگانان بزرگی که دارای کشتی‌های تجاری بودند و از هزینه‌کردن برای آراستن خانه‌های مجلل خود که گاه در آن میزبان درباریان و شخص پادشاه بودند ابایی نداشتند (نرسیسیانس، ۱۳۹۰). با به‌پایان رسیدن حمایت‌ها و درعوض شدت یافتن فشارها از جانب حکومت، به‌ویژه در دوره فرمانروایی شاه‌سلطان حسین، آرامنه به‌آهستگی کوچ به جاهای دیگر را آغاز کردند. پس از حمله افغان‌ها و به‌ویژه در نتیجه مالیات‌های کمرشکن دوره نادرشاه بازرگانان ارمنی هم‌چون بسیاری دیگر ایران را ترک گفتند (کاراپتیان، ۱۳۸۵: ۴۴). تاجایی که در دوران قاجار حتی یک بازرگان ثروتمند در میان آنان که باقی‌مانده بودند، دیده نمی‌شد (ملکم، ۱۳۸۰: ۷۹۷).

در آغاز سلطنت قاجاریه با منصوب شدن حاج محمد حسین‌خان صدر اصفهانی به سمت حاکم و بیگلربیگی اصفهان، این شهر که پس از حمله افغان‌ها در دوران افشاریه و حکومت کریم‌خان زند رونقی نسبی یافته بود، بار دیگر برای مدتی کوتاه رو به آبادانی رفت (صدر هاشمی، ۱۳۲۵: ۵۷). بر اثر پیامدهای سقوط دولت صفوی در سال ۱۱۳۵ ه.ق. / ۱۷۲۲ م. و هرج‌ومرج‌های پس از آن در تمامی ارکان کشور، تجارت ایران نیز هرگز نتوانست به دوران شکوفایی خود در عصر صفویه بازگردد (نوری، ۱۳۸۵: ۱۳۳). در دوره کریم‌خان زند و جانشین‌اش، بازرگانی ایران تاحدی احیا و امنیت راه‌ها برقرار شد (همان: ۱۴۷). در دوران قاجاریه

### ۱-۱-۱- خانه‌هایی با یک حیاط

در مورد مسلمانان اگر طبق آنچه در مورد عموم مردم صدق می‌کرد خانه تنها یک میان‌سرا داشت نیز ضوابط لازم رعایت می‌شد. در صورتی که چنین خانه‌ای بزرگ بود، جبهه‌های آن با راهی مجزا به بیرونی اختصاص می‌یافت و جبهه‌های دیگر بنا به اندرونی؛ به‌مانند آنچه در خانه مجلسی شاهد هستیم (نقشه ۱). شایان ذکر است که بیشتر خانه‌های جلفا دارای یک حیاط‌اند که این به دلیل مفهوم‌نداشتن جداسازی کامل اندرونی در نزد آنان است. البته در برخی از این خانه‌ها حیاط خلوتی نیز وجود دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.



نقشه ۱. ورودی‌های جداگانه اندرونی و بیرونی خانه مجلسی. (شرکت عمران و مسکن‌سازان، ۱۳۸۸)

### ۱-۱-۲- خانه‌هایی با دو حیاط

اگر تمکن مالی یا گستردگی زمین امکان ایجاد منازل دوحیاطه را می‌داد، مانند خانه مشکی، معمولاً دالانی سراسر یک ضلع ساختمان را طی می‌کرد که در آغاز یا میانه به بیرونی و در انتها به اندرونی می‌رسید. گاه نیز ورودی حیاط اندرونی و بیرونی در دو سوی مختلف بودند هم‌چون خانه حقیقی. این‌گونه به‌خوبی مسئله جدایی زنان خانه از مردان بیگانه رعایت می‌شد؛ اهل حرم با دیگران روبرو نمی‌شدند و خلوت خانه هرگز با حضور دیگری برهم زده نمی‌شد. آن‌هم در خانه‌هایی که به اقتضای پیشه و موقعیت صاحب‌خانه که معمولاً بازرگان یا روحانی بزرگی بود، دیگران به آن رفت‌وآمد بسیار داشتند. در هیچ‌یک از نمونه‌های مربوط به

نیز بر اثر افزایش روابط و تجارت خارجی، طبقه ثروتمندی از بازرگانان ایرانی به‌وجود آمد؛ اما شرایط درنهایت ایران را عرصه فروش اجناس اروپایی و آنان را تنها واسطه فروش کالاهای غیر ایرانی کرد (والی‌نژاد ۱۳۸۱: ۹ و ۱۰). در حالی که گسترش رابطه بازرگانی ایران با کشورهای اروپایی در سده‌های یازدهم و دوازدهم هجری قمری که زمانه صفویان بود، در ازاء کسب منافع سیاسی و اقتصادی از آنان بود (نوری، ۱۳۸۵: ۱۳۲). طبقه بازرگان ایران و پیرو آنان اصفهان بسیار تحت تأثیر این تحولات قرار داشتند. این فرازوفرودهای اجتماعی و اقتصادی موجب ایجاد وضعیت متفاوت در پیشه و در نتیجه زندگی و خانه‌های این قشر می‌شد. به منظور فهم میزان تأثیرپذیری از این شرایط و نیز شرایط اعتقادی هفت نمونه از خانه‌های بازرگانان مسلمان و ارمنی که در بازه زمانی سده دهم تا اواخر سیزدهم ه.ق. (دوره شکوفایی شیوه اصفهانی و دوران حکومت شاه‌عباس اول تا اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار) ساخته شده‌اند، انتخاب شده است. سه خانه حقیقی، مشکی و مجلسی (مدنی) مسلمان‌نشین و چهار خانه مارتاپیترز، داوید، سوکیاس و سیمون، ارمنی‌نشین بوده‌اند. متناسب با رویکرد مورد نظر، دو دسته از عوامل در این نمونه‌ها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند: ۱. اصول اخلاقی و اعتقادی؛ ۲. زمینه اجتماعی و اقتصادی.

### ۱- بررسی اصول اخلاقی و اعتقادی

عوامل فرهنگی نقشی بسیار مهم در شکل‌دهی خانه‌های سنتی ایران و اصفهان داشته‌اند؛ که از این میان برخی از تفاوت‌های برخاسته از باورها و اعتقاد مسلمانان و ارمنیان در خانه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است:

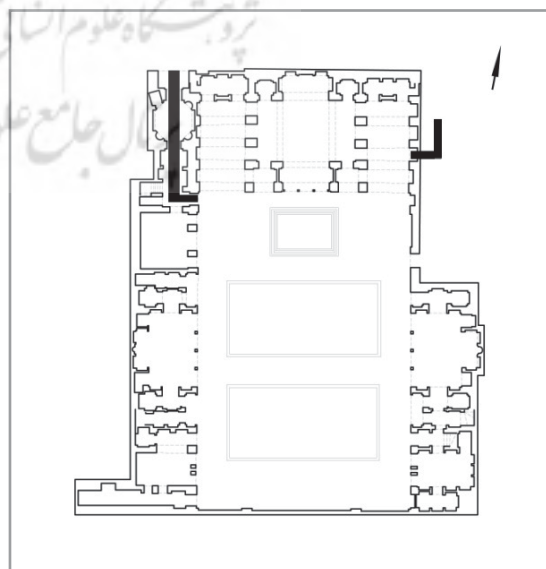
#### ۱-۱- نبود نگاه یکسان به مفهوم حریمیت

در خانه‌های مسلمانان ارتباطات فضایی میان اندرونی و بیرونی به‌دقت و طبق اصول اخلاقی و اجتماعی ایران سنتی شکل می‌گرفت که از این میان، حریمیت مهم‌ترین اصل بود. اصل حریمیت در نزد ارمنه هم به‌نوعی دیده می‌شده است. به‌عنوان مثال، زنان ارمنی پوششی روی دهان داشتند که آن را حتی در خانه و در حضور همسر خود نیز برنمی‌داشتند<sup>۲</sup> (آیوازیان، ۱۳۷۸: ۴۸۲) و نیز یک زن ارمنی پس از ازدواج تا مدت‌ها نمی‌بایست با کسی حرف می‌زد (شیل، ۱۳۶۲: ۲۰۱). این نشان‌دهنده حاکم‌بودن نوعی حریمیت گفتاری و شنیداری در میان آنان است نه دیداری؛ آن‌گونه که برای مسلمانان مطرح است. چگونگی ارتباطات فضایی خانه که برخاسته از اعتقاد به این مفهوم است، در دو نوع خانه یک‌حیاطه و دوحیاطه بررسی شده است:

مسلمانان برای رسیدن به بیرونی از کنار در بسته اندرونی نیز گذر نمی‌شود. در تمامی آنها یا درهای دو بخش در دو سوی مختلف‌اند (نقشه ۲) یا درامتداد یک دالان و با فاصله (نقشه ۱). حتی در این حالت نیز اول حیاط بیرونی و در آن قرار دارد. اندرونی خانه مشکی درانتهای دالانی چهل متری و جایی دور از دسترس ساخته شده است. این نوع ساخت هم از لحاظ دیداری و رعایت محرمیت و هم از لحاظ امنیتی کاملاً پاسخ‌گو است.

ورودی‌های حیاط جنوبی یا همان اندرونی از دو سوی جنوب شرقی و جنوب غربی است. راه جنوب غربی دالانی از حیاط بیرونی است که به جبهه غربی حیاط اندرونی وارد می‌شود و راه جنوب شرقی در ادامه دالان اصلی خانه بوده است که به جبهه شرقی حیاط اندرونی وارد می‌شود. طبق گفته‌های خانم مشکی که آخرین ساکن و وارث این خانه بوده است، مردانی که به زنان ساکن در جبهه غربی محرم بودند، از ورودی غربی و محارم ساکنان جبهه شرقی از دالان شرقی وارد می‌شدند تا کمترین مزاحمت و مواجهه با دیگران را داشته باشند (قاسمی سیچانی، ۱۳۸۹)، (نقشه ۳).

از این سخنان که از روابط پیچیده محرمیت که در این خانه رعایت می‌شد حکایت می‌کند، چنین برمی‌آید که جای‌گیری هر در، هر دالان و جایی که از آن آغاز می‌شود و به پایان می‌رسد، به‌منظور رعایت و نیز الزام به رعایت اصولی بوده که در فرهنگ ساکنان مطرح بوده است.

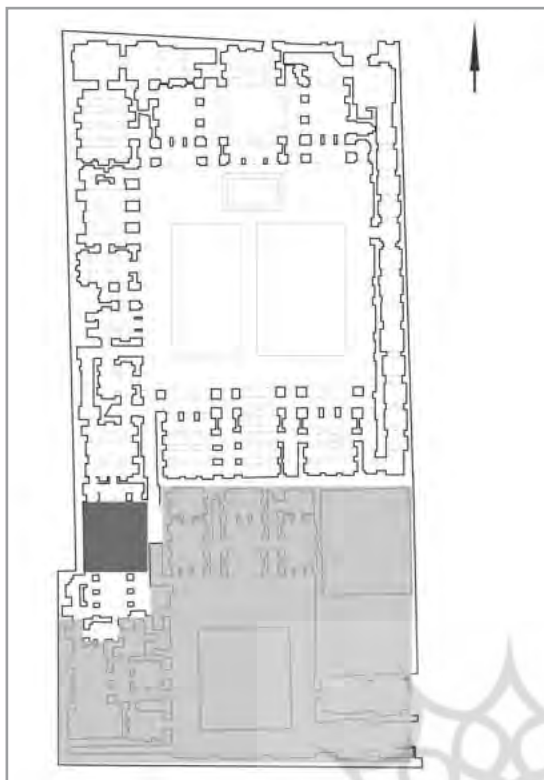


نقشه ۲. ورودی‌های جداگانه اندرونی و بیرونی خانه حقیقی.  
(سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۵۳)

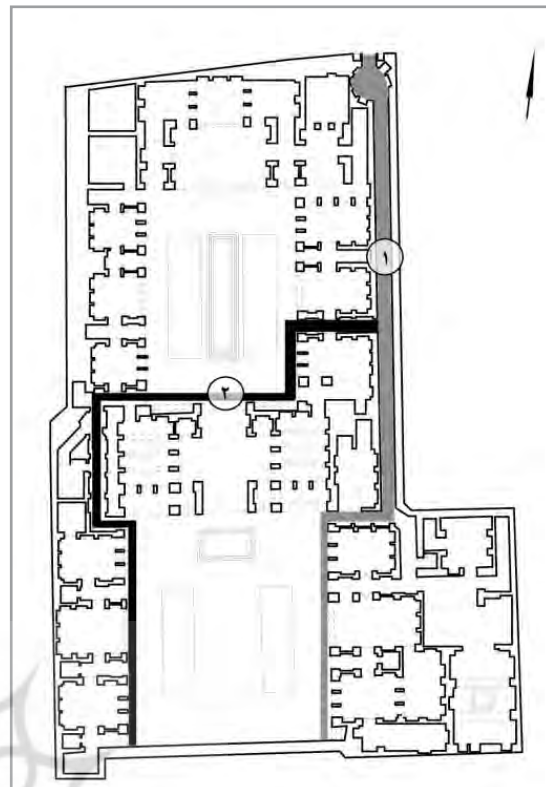
اما در مورد آرامنه باید به داستانی که میناسیان درباره مارکار باقوس لغوریان (مالک خانه داوید) نقل می‌کند، اشاره کرد: داستانی درباره حضور شاه‌سلطان حسین صفوی در تالار اصلی خانه داوید و دیدن روی عروس خواجه مارکار از غلام‌گرد در حوضچه آب میان تالار (میناسیان، ۱۳۸۷: ۹۶). این می‌تواند دلیلی بر این باشد که زنان پروای زیادی از دیده‌شدن نداشتند و نیز جایگاه جداگانه در هنگام حضور میهمان در خانه. در خانه‌های آرامنه ممکن است حیاط دیگری دیده شود که به مفهوم اندرونی نیست. ساخت دو حیاط، صرفاً به منظور جداسازی خانواده، تنها در نمونه‌خانه‌های مسلمانان دیده شد. در خانه‌های مربوط به بازرگانان ثروتمند جلفا هر چند گاه بیش از یک حیاط ساخته شده اما اینها یا مانند آنچه در جنوب غربی خانه داوید است، حیاط خلوت بوده (نقشه ۴) یا هم‌چون حیاط جنوبی خانه داوید و احتمالاً سوکیاس، باغ خانه و گاه نیز فضایی خدماتی (منتظر، ۱۳۸۹). نکته جالب نظر و نشان‌دهنده تأثیر اعتقاد بر شکل‌گیری حیاط دوم به مفهوم اندرونی را می‌توان در خانه داوید دید. در دوره‌ای که مالک به دین اسلام می‌گروید (همان)، باغ جنوبی به بخش اندرونی تبدیل می‌شود و بعدها با بازگشت وی به دین گذشته یا افتادن دوباره این خانه به دست شخصی ارمنی این حیاط تفکیک می‌شود (ولی‌پور، ۱۳۸۶)، (نقشه ۴).

#### ۱-۲- چگونگی ورود به فضاها و حریم‌ها

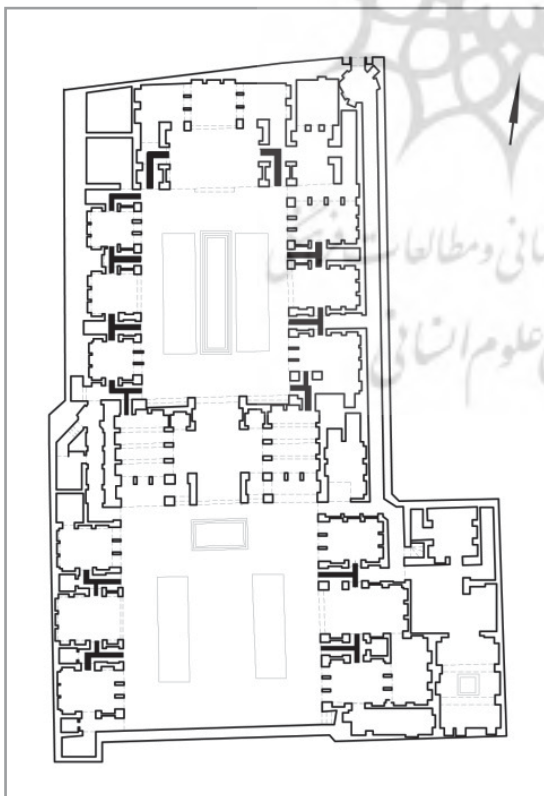
اصل عدم ورود مستقیم از فضای باز به فضای بسته در خانه‌های ارمنی معمولاً رعایت نشده است. به این معنی که در خانه‌های مسلمانان ایران تا پیش از تأثیر معماری غرب بر آن، همواره تنها از کناره‌ها و با دالان‌هایی جانبی می‌توان وارد هر فضایی مانند اتاق‌های سه‌دری یا تالار شده از میان (نقشه ۵، ۶، ۷). اما در خانه‌ای مانند خانه سیمون، تمامی اتاق‌ها در هر دو بخش صفوی و پس از آن، مستقیماً به حیاط و نیز به هم راه دارند (تصویر ۱ و ۲). هم‌چنین اتاق‌های ضلع شمالی خانه داوید، مارتا پیترز و سوکیاس (نقشه ۸، ۹، ۱۰). در مورد تالارها اگر چنین نیست، به علت ضرورت فیزیکی است که وجود ارسی ورود از دو طرف را امکان‌پذیر می‌سازد. دست کم دو دلیل فرهنگی این امر، جلوگیری از شکسته‌شدن ناگهانی حریم اتاق با ورود از میانه و نیز دیدن‌داشتن به آن از حیاط با گشوده‌شدن در است.



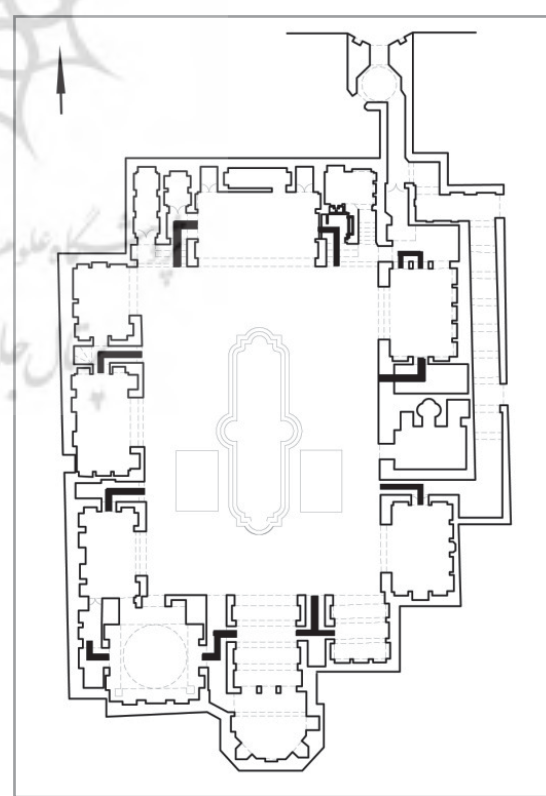
نقشه ۴. حیاط خلوت کوچک؛ و بخش جنوبی و جداشده از خانه داوید.  
(سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۸۰)



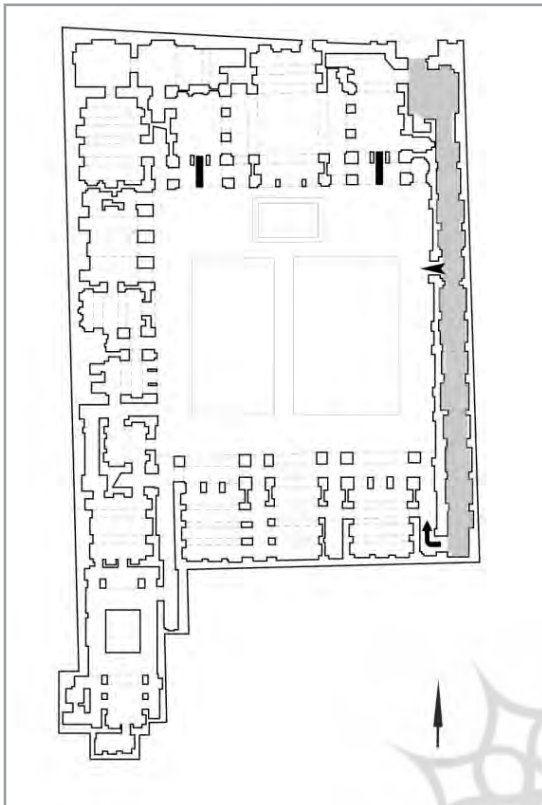
نقشه ۳. راه‌های ورودی شرقی (۱) و غربی (۲) به حیاط اندرونی خانه مشکی.  
(صفرپور، ۱۳۸۷)



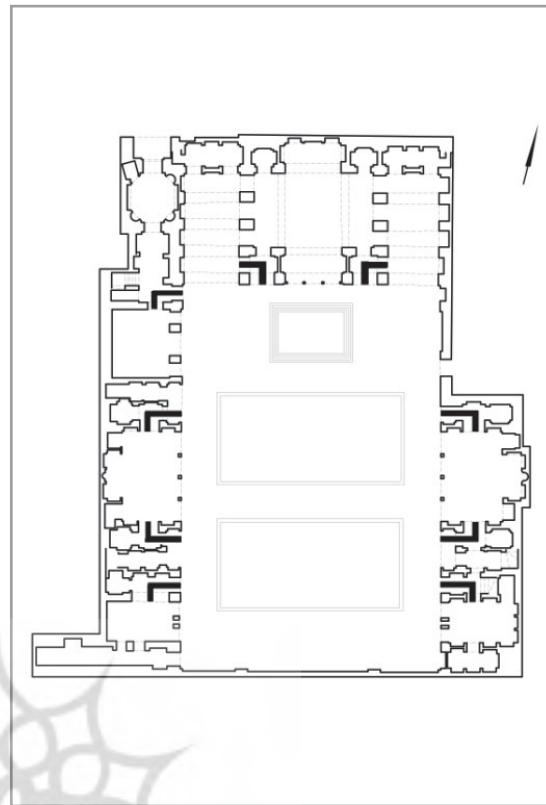
نقشه ۶. ورود غیرمستقیم به اتاق‌ها در خانه مشکی.  
(صفرپور، ۱۳۸۷)



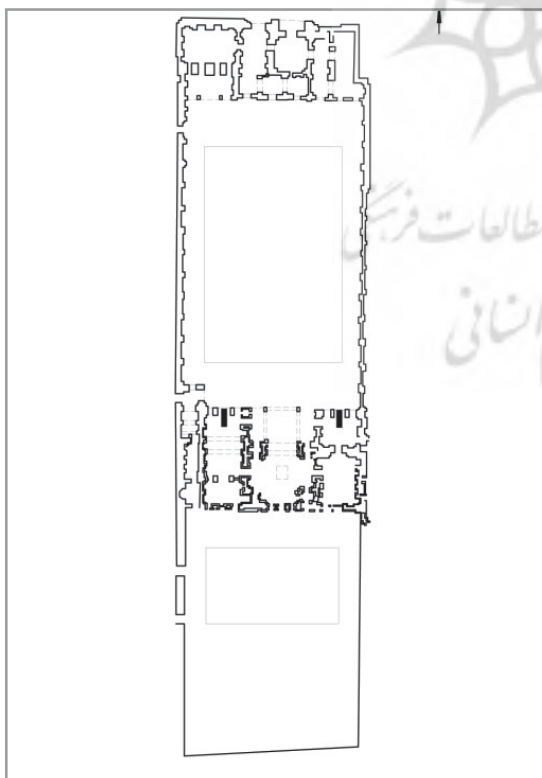
نقشه ۵. ورود غیرمستقیم به اتاق‌ها در خانه مجلسی.  
(شرکت عمران و مسکن سازان، ۱۳۸۸)



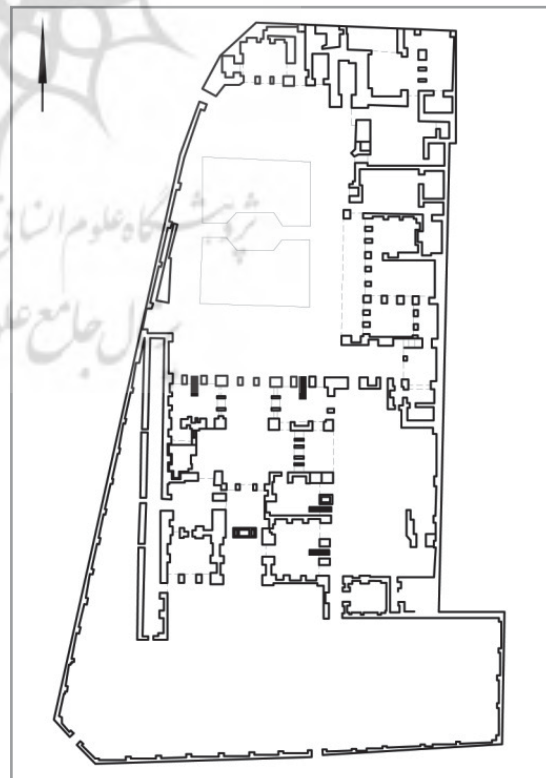
نقشه ۸. ورود مستقیم به اتاق‌های ضلع شمالی در خانه داوید؛ و ورودی‌های  
دالان به حیاط. (سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۸۰)



نقشه ۷. ورود غیرمستقیم به اتاق‌ها در خانه حقیقی.  
(سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۵۳)

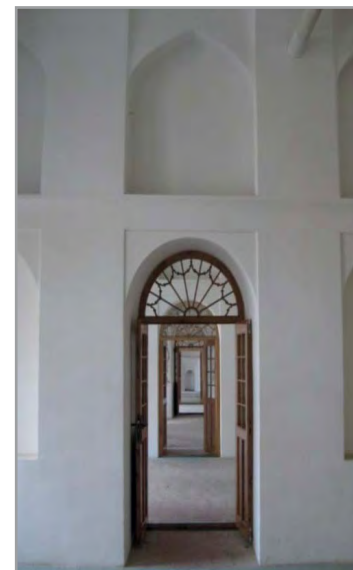


نقشه ۱۰. ورود مستقیم به اتاق‌ها در خانه سوکیاس.  
(سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۵۳)



نقشه ۹. ورود مستقیم به اتاق‌ها در خانه مارتاپیترز.  
(سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۵۳)





تصویر ۱. ارتباط بی‌واسطه اتاق‌ها در خانه سیمون. تصویر ۲. ورود مستقیم به اتاق‌ها در خانه سیمون.  
(نگارندگان)

ارامنه می‌توان گفت که کارکرد اصلی دالان بلند خانه داوید، برخلاف خانه مشکی، چیزی بجز حفظ حریم خانواده از دید دیگران است. پیچش و درازای دالان‌ها علاوه بر عواملی چون میزان اهمیت حفظ محرمانگی به شرایط امنیتی زمان و هدف معمار و صاحب‌خانه برای هدایت افراد به منظور ورود از نقطه‌ای خاص به خانه بستگی داشته است. به همین دلیل این دالان طولانی از زاویه امنیت و انتخاب نقطه دید مناسب برای تازه‌واردان قابل بررسی است. بجز دری که در اوایل دالان به حیاط راه دارد، در انتها در دیگری است که هنگامی که فرد تمام ضلع شرقی حیاط را می‌پیماید و از آن نقطه وارد می‌شود، جبهه شمالی و اصلی خانه را پیش چشم دارد (نقشه ۸). پس یکی از اهداف معمار را می‌توان ایجاد این زاویه دید دانست.

### ۱-۳- تفاوت در تزئینات

دین و اعتقادات مذهبی ساکنان در تزئینات خانه‌های تاریخی هم نمود یافته‌اند. گاه ظهور برخی عناصر که در دین دیگر منع شده‌اند، ما را به اعتقاد سازنده و دارنده خانه رهنمون می‌شود. نمونه این امر نقاشی‌هایی است که بخش عمده‌ای از تزئینات خانه‌های آرامنه جلفا را تشکیل می‌داد. آنان با مناسباتی که با اروپا داشتند زودتر از دیگر بخش‌های جامعه از مینیاتورهای ایرانی فاصله گرفته و خانه‌های خود را با تصاویری به سبک اروپایی زینت دادند (قازاریان، ۱۳۶۳: ۲۱). به‌عنوان مثال، ایوان جبهه جنوبی خانه سوکیاس پوشیده از

حفظ حریم، اصلی بسیار مهم در فرهنگ‌های سنتی منطقه خاورمیانه است که در گذشته علاوه بر پررنگ‌تر بودن، کاملاً در خانه‌ها به‌ویژه در میان مسلمانان رعایت می‌شده است. درهای ورودی خانه‌ها برای حفظ این مفهوم روبه هم ساخته نمی‌شدند. حتی درون اندرونی نیز حریم وجود داشته است. اتاق عروس که اتاقی خصوصی است، عموماً در بالاخانه، مجزا، کوچک و زینت‌یافته بود و بجز آن که در اوایل ازدواج پسر خانواده محل زندگی وی و عروسش بوده، در زمان‌های دیگر نیز فضای خلوتی برای مرد خانه به‌شمار می‌رفته است. این را می‌توان نشان از حرمتی دانست که پدر در خانواده ایرانی داشته است. نمونه‌هایی شاخص از چنین فضاهایی در خانه‌های حقیقی و مشکی دیده می‌شود. علاوه بر دلیل اقلیمی، یکی از منظوره‌های اصلی شیوه ساخت درون‌گرا که نبود روزن برای دید از بیرون به درون از مهم‌ترین مصادیق آن است، همین حفظ حریم است. اما در خانه‌های جلفای دوره صفوی گاه نوعی برون‌گرایی را در ساخت درون‌گرا می‌بینیم؛ مانند ساخت کوشک‌مانند خانه مارتاپیترز یا ایوانچه‌هایی که در جلوی اتاق‌های طبقات اول و دوم و رو به حیاط ساخته می‌شد؛ مانند خانه داوید (تصویر ۳).

دالان نیز که نقش مهمی در چگونگی ورود از فضای بیرون به درون ایفا می‌کند، در نمونه‌هایی از خانه‌های آرامنه دیده نمی‌شود؛ مانند خانه سیمون که فاقد دالان است و حیاط از درون هشتی دیده می‌شود. خانه سوکیاس هم دالانی کوتاه دارد.<sup>۸</sup> با توجه به تفاوت باور به محرمانگی در میان مسلمانان و



تصویر ۴. نقاشی‌های ایوان جنوبی خانه سوکیاس.  
(Fotopages, 2009)



تصویر ۳. ایوانچه‌های روبه حیاط در خانه داوید.  
(نگارندگان)

#### ۱-۴- تفاوت در عناصر خانه

یکی از عناصری که تنها در خانه‌های ارمنیان موجود بوده، «چرخشت» است. به دلیل جنبه دینی داشتن شراب در نزد مسیحیان، در آن زمان در بیشتر خانه‌های ارمنی فضایی برای ساخت آن وجود داشت. در ضلع شمالی خانه مارتا پیترز و جنوب خانه سوکیاس نیز این فضا دیده می‌شود.

در بخش زمستان‌نشین (شمال) خانه مارتا پیترز زیرزمینی قرار دارد که در آن فضایی بسته با مساحت حدوداً ۲ در ۳ متر ساخته شده است. در سقف آن دریچه‌ای با دری چوبی به اتاق بالایی تعبیه شده است که کاراپتیان آن را نورگیر زیرزمین دانسته است (کاراپتیان، ۱۳۸۵: ۲۵۹)؛ در صورتی که این‌ها بخش‌های باقی‌مانده چرخشت هستند که برای ساخت شراب به کار می‌رفته و دریچه برای ریختن انگور در فضای حوض مانند درون زیرزمین است (منتظر، ۱۳۸۹)، (تصویر ۶). گویا وجود چرخشت در خانه‌های جلفا معمول بوده است (دروهانیان، ۱۳۷۹: ۶۱۳). نگهداری محصول به‌دست‌آمده نیز در زیرزمین‌های

۲۰ پرده نقاشی است که تأثیر هنر اروپایی در آنها به‌وضوح دیده می‌شود (تصویر ۴). این‌ها کار نقاشان ارمنی و نیز اروپاییانی بوده است که در عصر صفوی به اصفهان می‌آمدند و از ثروتمندان ارمنی سفارش کار می‌گرفتند. سفارش نقاشی در ایتالیا و تکمیل آن در محل نیز مرسوم بود (همان: ۴۱ و ۴۷). در حالی که در نزد مسلمانان وجود چنین نقوش واضحی از انسان در خانه ناپسند شمرده می‌شد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۴: ۲۴). نمونه رعایت این اعتقاد خانه حقیقی است. درست است که در میان تزئینات خانه نقوش انسانی به چشم می‌خورد اما آنها تنها شامل طرح‌هایی ساده‌شده و تک‌رنگ هستند که به قدری کوچک کشیده شده‌اند که در نگاه اول از میان دیگر تزئینات قابل تشخیص نیستند (تصویر ۵). اما در جایی دیگر از همین خانه و در اتاق عروس نقاشی‌های بزرگ و واقع‌گرای انسانی کشیده شده است. با توجه به نهمی این تصاویر در آن دوره، چنین نقوشی را در جایی به کار برده‌اند که در دید دیگران نبوده است و فضای معمول و همیشگی زندگی نیز نیست.



تصویر ۶. دریچه چرخشت در اتاق شمالی خانه مارتا پیترز.  
(نگارندگان)



تصویر ۵. نمونه‌ای از تصاویر انسانی در لابه‌لای تزئینات قطاربندی در خانه حقیقی.  
(نگارندگان)

پس از مطالعه نمونه‌هایی چند از این خانه‌ها (مربوط به آرامنه عصر صفوی و نیز مسلمانان دوره پس از آن)، می‌توان گفت که نمود موقعیت اجتماعی ساکنان در چنین مواردی آشکار است:

## ۲-۱- تأثیرگذاری در لحظه ورود

تلاش برای تأثیرگذاری بر دیگران در لحظه ورود به خانه می‌تواند پیرو رواج تجمل و میل به نمایش ثروت باشد. در بیش از هفتاد درصد نمونه‌ها<sup>۷</sup>، دالان در جایی به پایان می‌رسد که فرد به محض ورود به حیاط نمای اصلی و باشکوه خانه را در پیش چشم داشته باشد.

نمونه دیگر از تلاش برای این تأثیرگذاری، اتاق شمال شرقی خانه حقیقی است. سراسر این اتاق حتی درها و بخاری آکنده از تزئینات رنگی و زراندود است. طبق عکس هوایی سال ۱۳۳۵، که می‌توان در آن حیاط بیرونی خانه را دید، که اکنون موجود نیست، آن کس که غیر بود و با صاحب‌خانه کاری داشت از راه اصلی داخل نمی‌شد بلکه بدون ورود به حیاط اندرونی از در شمال شرقی به خانه می‌آمد و از اتاق شرقی تالار به درون آن راه می‌یافت (تصویر ۷).

گویا این اتاق باید مکتب صاحب‌خانه و شکوه خانه‌اش را گوشزد می‌کرد زیرا اتاقی که به قرینه آن در شمال غربی تالار است، تنها تزئیناتی بی‌رنگ و دره‌هایی ساده دارد اما به اتاق شرقی به‌گونه‌ای پرداخته شده که از لحاظ تزئینات مشابه ارگ کریم‌خان شیراز است (تصویر ۸ و ۹). تشابه اتاق خانه یک بازرگان با ارگی حکومتی نشان‌دهنده اهمیت تأثیری است که باید در لحظه ورود بر میهمان و مراجعان یک تاجر که برای معامله به سراخانه او می‌آمدند، گذاشته می‌شد.



تصویر ۷. راه‌های ورودی شرقی و غربی و باغ جنوبی خانه حقیقی. (سازمان نوسازی و بهسازی اصفهان، ۱۳۹۱)

کوچکی بوده که از میان نمونه‌های بررسی شده، در خانه‌های ارمنی‌نشین مارتا پیترز، سوکیاس و سیمون موجود است.

اگر بخواهیم از حضور طبیعت در خانه‌های اصفهان یاد کنیم، گذشته از باغ و باغچه باید از حوض نام برد که البته ساخت آن در خانه‌های شهرهای مرکزی ایران معمول بوده است. حضور آن علاوه بر زیبایی‌بخشیدن به فضا، لطافت هوا، ایجاد صدای گوش‌نواز با فواره و بازتاب‌دادن نمای اصلی و در نتیجه جلوه‌بخشیدن به حیاط، برای مسلمانان اهمیت دیگری نیز دارد؛ وضوگرفتن با آب کُر ممکن می‌شود. اما در نزد آرامنه وجه طهارت‌بخشی آن اهمیتی ندارد. به همین خاطر است که در برخی از خانه‌های جلفا دراصل حوضی ساخته نشده است و اگر هست یا الحاقی است یا صرفاً برای زیبایی‌بخشی. آب خانه‌های جلفا از چاه به‌دست می‌آمد. به عنوان نمونه، حیاط‌های بزرگ خانه‌های سیمون و سوکیاس<sup>۹</sup> حوض ندارد.

می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که در خانه‌های بازرگانان اصفهان در دوره مورد بحث که نمونه‌ای از دیگر خانه‌های این شهرند، چگونگی ارتباطات فضایی خانه بسیار تحت تأثیر چگونگی اعتقادات بوده است. نبود نگاه یکسان به مفهوم محرمیت، چگونگی ورود به فضاها و حریم‌ها، تفاوت در تزئینات و نیز بودونبود عناصر را می‌توان جلوه‌هایی از آن دانست. اما موقعیت اجتماعی ساکنان نیز تأثیر بسیاری بر خانه آنها داشته است که در این بخش به آن پرداخته می‌شود.

## ۲- بررسی زمینه اجتماعی و اقتصادی

در دوره صفوی ثبات سیاسی موجب رشد اقتصاد و رونق شهرنشینی شد که این امر افزایش ثروت و بالارفتن رفاه عمومی جامعه را در پی داشت. ساخت خانه بزرگ و تاحدامکان مجلل از نخستین کارهایی بود که هر شخص در صورت توان انجام می‌داد. در دوره صفویه خواجه‌های ارمنی که گفته شده با حمایت‌های شاه‌عباس دارای سرمایه‌ای بیش از بازرگانان ایرانی و چندین تاجر زیردست و حتی ناوگان تجاری دریایی بوده‌اند، خانه‌های کاخ‌مانندی را در جلفا ساختند که جهان‌گردان آن دوره وصف کرده‌اند. اینان به چنان درجه‌ای از اهمیت رسیدند که برخی از بزرگ‌ترین‌هایشان جایگاهی در نزد شاه داشتند و حتی گه‌گاه پذیرای شاهان صفوی در سرای خود بودند. پس از گذشت این دوره و حوادث پیش‌آمده، از دوره کریم‌خان زند به بعد رونق کم‌وبیش دوباره تجارت این‌بار برخی بازرگانان مسلمان را قادر به ساخت خانه‌هایی مجلل و گسترده ساخت.



تصویر ۹. تزئینات پوشش تاقی از ارگ کریم‌خان.  
(پاچیان، ۱۳۹۰)



تصویر ۸. تزئینات پوشش تاق اطاق شمال شرقی خانه حقیقی.  
(نگارندگان)

کوشکی که آن را از چهار سو باغ در میان گرفته است، نیاز به در دست داشتن زمینی گسترده دارد که تنها در توان افرادی از نوع مالک این خانه بود. در خانه حقیقی نیز بخش تابستان‌نشین فراتر از تنها یک جبهه و طبق شواهد موجود در محل و نیز عکس هوایی سال ۱۳۳۵، حداقل شامل یک باغ نیز بوده است (تصویر ۷).

#### ۲-۵- جبهه اصلی

«جبهه اصلی خانه‌های ارمنه برخلاف خانه‌های مسلمانان اصفهان، معمولاً جبهه جنوبی است»<sup>۱۱</sup> (منتظر، ۱۳۸۹). نمونه‌های باقی‌مانده در جلفا از آن تاجرانی بوده که اوج کار و معامله‌هایشان در فصل‌های گرم سال بوده است. پس بخشی که در آن میزبان دیگران بودند، در تابستان‌نشین قرار داشت. این را می‌توان تأثیر ارتباط‌های اجتماعی آنها بر تعیین جهت ساخت دانست.

#### ۲-۶- عناصر تجملی

با نگاه به بادگیرهایی که در بخش صفوی خانه مجلسی دیده می‌شود، به نظر می‌رسد که با توجه به اقلیم نسبتاً معتدل اصفهان، بیش از لزوم به این عنصر با دید تجملی نگریده شده است.

در سراسر خانه حقیقی نیز تجمل را می‌توان دید. از اتاق‌هایی با دیوار، سقف و درهای زینت‌یافته و نیز ارسی‌های پرکار و ریزنقش گرفته تا دیوارهای مشرف به حیاط که دارای گچ‌بری بوده‌اند؛ همه این‌ها از دارایی بسیار تاجران بزرگ در آن عهد حکایت می‌کند.

#### ۲-۲- سردر خانه

سردر، تنها قسمت خانه که می‌توانست جلوه بیرونی داشته باشد، معمولاً متناسب با شأن و دارایی صاحب‌خانه ساخته می‌شد و زینت می‌یافت. طی بررسی به‌نظر رسید که این عنصر در خانه‌های تاجران ارمنی باشکوه‌تر و تزئین یافته‌تر بوده است.

#### ۲-۳- تالار

تالارهای پذیرایی و شاه‌نشین خانه‌ها بسیار پرزینت و زیبا ساخته می‌شدند که با توجه به مناسبات بسیار تاجران با خریداران و تجار دیگر و لزوم عیان کردن ثروت و اعتبار خود طبیعی است. نمونه آن، تالارهای باشکوه و زرنگار دو خانه سوکیاس و مارتا پیترز است (تصویر ۱۰ و ۱۱). آیت‌الله‌زاده شیرازی معتقد بوده است که این دو خانه الگوی کاخ هشت‌بهشت بوده‌اند (قاسمی سیچانی، ۱۳۸۹). این که خانه‌ای الهام‌بخش ساخت کاخ بوده باشد، نکته‌ای قابل تأمل است. در تالار مرکزی خانه سوکیاس که بسیار شبیه هشت‌بهشت است، تصویری نقاشی شده که نام شاه‌عباس اول بر آن نوشته شده است. داشتن امتیاز به تصویر کشیدن پادشاه و نگهداری آن در خانه تنها با اجازه خود شاه ممکن بود (کاراپتیان، ۱۳۸۵: ۱۲۰). پس مالک خانه از اعتبار بسیاری برخوردار بوده و احتمالاً همانند برخی از بزرگ‌ترین بازرگانان ارمنی افتخار پذیرایی از شاه‌عباس را در خانه‌اش داشته است.

#### ۲-۴- گستره خانه

خانه مارتا پیترز از این نظر شایان توجه است که از محدود خانه‌های کوشک‌مانند برجامانده در اصفهان است. ساخت



تصویر ۱۱. سقف تالار مرکزی خانه سوکیاس. (Fotopages, 2009)



تصویر ۱۰. سقف تالار مرکزی خانه مارتاپیترز. (نگارندگان)

## نتیجه گیری

در پس چگونگی سازمان دهی فضاها و نوع تزئینات یک خانه باید به دنبال مفاهیمی گشت که فراتر از دلایل فیزیکی به آنها شکل داده‌اند. در بسیاری از موارد نه تنها اعتقادات سازندگان و ساکنان خانه در نحوه آرایش فضاها دخیل بوده است، بلکه به این شکل زمینه نیز به گونه‌ای فراهم می‌شد تا افراد در هر فضا ملزم به رعایت آداب و قواعد آن گردند؛ مانند نقش مهمی که دالان در سازمان دهی فضایی این خانه‌ها ایفا می‌کرد: با گذراندن فرد از محدوده‌ای تعیین شده او را به جایی که باید هدایت می‌کرد و تنها اجازه ورود و دیدار آن فضا را به او می‌داد؛ بدون تأثیر حضور وی در سرتاسر مسیر طی شده. این خود با توجه به فرهنگ و موقعیت صاحب‌خانه می‌توانست به منظور حفظ حریمت باشد یا خلوت، امنیت و حتی تأثیر گذاری بر میهمان در لحظه ورودش به حیاط.

بجز نمودهای آشکاری هم چون ساختن یا نساختن اندرونی مجزا یا فضایی هم چون چرخش که ویژه آرامنه است، تأثیر عوامل اعتقادی را به شکل ناپیداتری در بسیاری موارد دیگر می‌توان دید: از چگونگی تزئینات و ورود به خانه و نیز اتاق‌ها گرفته تا بود نبود عناصری مانند حوض و دالان. همان گونه که گفته شد، معماران مسلمان به خواسته شاه‌عباس آرامنه را در ساخت خانه یاری رساندند. گمان می‌رود که بعدها نیز همین گونه بوده باشد زیرا آب و هوای سرزمینی که آنان از آنجا آمده بودند و در نتیجه مصالح و روش معماران‌شان کاملاً متفاوت بود. پس در این صورت خواه ناخواه شیوه کار معمار مسلمانانی که این بناها را می‌ساخته و اندیشه او در ساخت تأثیر داشته است. ضمناً اقلیم منطقه این نوع خاص از چیدمان فضایی را می‌طلبیده است. به همین دلیل در طراحی پلان خانه‌های آرامنه از پلان خانه‌های مسلمانان پیروی شده است. اما در این خانه‌های به ظاهر مشابه هم می‌توان جزئیاتی حاکی از تفاوت فرهنگ و اعتقاد ساکنان را دید.

این طور به نظر می‌آید که عوامل فرهنگی و اعتقادی اثر عمیق و نیز ظریفی دارند که معمولاً به راحتی دیده نمی‌شوند و هر بار و در شرایط گوناگون خود را به گونه‌ای نشان می‌دهند اما نقش عوامل اجتماعی در تفاوت‌ها آشکارتر از موارد فرهنگی است. مساعد شدن وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور، سطح امنیت و بالارفتن درآمدهای عمومی در دو دوره از حیات شهر اصفهان زمینه‌ساز ساخت خانه‌هایی شد که وسعت و تزئینات‌شان در دوره‌های آشفته پیش از آن نظیر نداشت. یک پارچگی سیاسی با روی کار آمدن صفویان و در نتیجه شکوفایی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و البته حمایت حاکمیت، بازرگانان بزرگ ارمنی را به وجود آورد که می‌توانستند در خانه‌هایی که از دید شاردن چون قصر بودند، زندگی کنند. دوران زندیه و اوایل قاجار نیز دوره‌ای بود که در آن، اوضاع آشفته پس از فروپاشی بنیادهای سیاسی و اقتصادی مستحکم صفویه بر اثر حمله افغان‌ها بهبود یافت. در همین برهه است که این بار با خارج شدن



اکثریت آرامنه بازرگانان از صحنه، تاجران مسلمان ایران از توانمندترین مردمان دوران خود می‌شوند. آنان درخور جایگاه خود، خانه خویش را برپا می‌سازند که البته هم‌چون شرایط زمان، هرگز از لحاظ ساخت و تزئینات هم‌پایه سرای بازرگانان ارمنی دوران صفوی نیست. سه خانه مسلمان‌نشین بررسی شده نیز مربوط به دوران پس از صفویه‌اند. مالکان آنها همه از بزرگان پیشه خود بودند و این خانه‌ها از شاخص‌ترین‌ها در نوع خود اما شکوه و عظمت خانه‌های آرامنه جلفا در آنها دیده نمی‌شود. این گویای آن است که جامعه دیگر هرگز آن استحکام سیاسی و اقتصادی دوران صفویه را نداشته و تجارت خارجی ایران نیز با تغییر شرایط و کناره‌رفتن آرامنه از رونق پیشین برخوردار نبوده است. این به معنای سود کمتر تاجران است که تنها به واسطه فروش کالاهای اروپایی بدل شده‌اند و در نتیجه، تجلی آن در خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، نمایان است. هرچند نباید جابه‌جایی پایتخت را نیز از نظر دور داشت؛ که این خود باعث رونق نیافتن چشم‌گیر اصفهان آسیب دیده از حمله افغان‌ها شد.

در هر حال، چیزی که برای هر دو دسته زمینه ساخت خانه‌هایی بزرگ با تزئینات و نقاشی‌های ممتاز و حیاط‌هایی گسترده شد، شرایط مساعد اجتماعی بود. بجز بالارفتن سطح رفاه، افزایش امنیت اجازه ساخت چنین نمونه‌هایی را داده است. حتی در صورت توان، تا هنگامی که اطمینان از حفظ‌شدن و از میان‌نرفتن نباشد نمی‌توان با این علاقه، دقت و هزینه بسیار به ساخت چیزی از جمله خانه همت گماشت. هر دو گروه ارمنی و مسلمان در زمانه‌ای اهمیت یافتند که در مقایسه با عصر پیش از خود دوره آرامش محسوب می‌شد.

آشکار است که مفاهیم و موارد تأثیر گرفته‌شده در این خانه‌ها محدود به یافته‌های این پژوهش نیست. می‌توان هر بار از جنبه‌ای نگریست و هر بار نکته‌های بسیار یافت. اندیشه و رای سازمان‌دهی و چینش و ارتباط فضاها و روال و چگونگی ورود به آنها در خانه‌های ایرانی مسئله‌ای پیچیده است؛ پیچیده‌تر از آن که انسان امروزی که نه‌مانند آنانی که در این خانه‌ها می‌زیستند زندگی و نه هم چون آنان فکر می‌کند، بتواند به تمامی وسعت و عمق آن پی برد. هرچند اگر بدانیم که آنها در چگونه زمانه‌ای، چطور و با چه اعتقاداتی می‌زیستند، می‌توانیم گوشه‌هایی از مفاهیم و یا بازتاب‌های زمان‌شان را در خانه‌های سنتی باقی مانده که ابزار شناخت بسیار مهمی در زمینه‌های معماری، فرهنگ، اجتماع و تاریخ‌اند بیابیم.

## پی‌نوشت

### 1- Amos Rapoport

۲- در موارد معدودی که در فضایی از خانه از چنین تصاویری بهره برده می‌شد، گاه بخشی از آن را ناقص ترسیم می‌کردند تا صورت کاملی از مخلوق تصویر نشده باشد؛ مثلاً تنها دارای یک چشم بودند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۴: ۲۴).

### 3- Jane Dieulafoy

۴- ر.ک. به فیگوروا. (۱۳۶۳). سفرنامه. ترجمه غلام‌رضا سمیعی. تهران: نشر نو. ۲۲۳ و ۲۲۵؛ و نیز تاورنیه. (۱۳۶۳). سفرنامه. ترجمه ابوتراب نوری. تهران: کتابخانه سنائی. ۴۰۰.

### 5- Jean Chardin

۶- خانه حقیقی از آن بزرگ خاندان حاج‌رسولی‌هاست که از تاجران بزرگ اصفهان بودند (ولی‌پور، ۱۳۸۶: ۲). خانه مشکی از میرزا شفیع مشکی - از تجار طراز اول آغاز عصر قاجار - بوده است. خانه مجلسی نیز به حاج‌میرزا علی ارس که در دوره محمدشاه می‌زیست و سپس حاج‌میرزا علی گزی، از دیگر بازرگانان دوران قاجار، تعلق داشته است (سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۵۴). مالک اصلی خانه مارتا پیترز هم خواجه (بارون) پانوس کلانتر است که منعقدکننده قرارداد تجاری میان کمپانی هند شرقی و ارمنیان در سال ۱۰۹۹ ه.ق. / ۱۶۸۸ م. (عهد شاه‌سلیمان) و در نتیجه دارنده حق تجارت انحصاری سنگ عقیق برای خود و اعقابش بوده است (دروهانیان، ۱۳۷۹: ۱۲۸-۱۳۰). خانه داوید در اصل متعلق به لغوریان‌ها بوده که از بازرگانان بزرگ و خانواده‌های اشرافی جلفا بوده‌اند و مالک اصلی آن را مارکار باقوس لغوریان دانسته‌اند (میناسیان، ۱۳۸۷: ۹۵). در مورد خانه سوکیاس باید گفت که نام داوید سوکیاس به‌عنوان قدیمی‌ترین صاحب شناخته‌شده این خانه معروف است؛ هرچند در هیچ منبع مکتوبی از آن یاد نشده است. تنها این را می‌دانیم که سوکیاسیان‌ها یکی از بازرگان‌های معروف جلفا بوده‌اند (دروهانیان، ۱۳۷۹: ۱۱۰). خانه سیمون هم به گفته میناسیان، در اصل متعلق به یکی از چهره‌های مشهور جلفا یعنی «هام‌اپوا کلانتر» بوده است (میناسیان، ۱۳۸۷: ۱۰۲).



طبق شواهدی که در کتاب تاریخ جلفا به دست آمد، این خانه به دست خواجه گوکاس، پسر خواجه پترس (از بزرگان جلفا در زمان شاه عباس اول)، ساخته شده است (درهوهانیان، ۱۳۷۹: ۹۱ و ۴۸۱). بارون «سیمون هایراپتیان» که خانه به نام اوست، در زمان قاجاریه ضابط (جانشین حاکم) در بیش از ۳۰ روستای سلطنتی فریدن بود (همان: ۳۲۱-۳۲۹).

۷- باشماخ

۸- ورودی کنونی با دالان بلند خود از آن خانه سوکیاس ۲ است که در مجاورت خانه مورد نظر قرار دارد.

۹- حوض کنونی الحاقی است.

۱۰- خانه مشکی، مجلسی، مارتا پیترز، داوید و سوکیاس.

۱۱- خانه داوید در میان خانه‌های ارمنی‌نشین استثناء است (منتظر، ۱۳۸۹).

## منابع و مآخذ

- آیوازیان، سیمون. (۱۳۷۸). نقش دو فرهنگ در شکل‌گیری منازل جلفای اصفهان. مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. جلد نخست، ۴۸۴-۴۷۵.
- امانیان، حمیرا. (۱۳۸۱). وضعیت فرهنگ و تمدن در دوره صفوی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد مشهد).
- پاچیان. آژانس مستقل عکس خبری هنری قم و ایران. <http://pachian.ir/post-24.aspx>. (بازیابی شده در تاریخ ۴ مهر ۱۳۹۰).
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۵۳). ارمغان ایران به جهان معماری، پادیاب. هنر و مردم، (۱۲)، ۱۳۹.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲). آشنایی با معماری اسلامی ایران «ساختمان‌های درون‌شهری و برون‌شهری». گردآوری غلام‌حسین معماریان. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). مردم‌واری در معماری ایران. سنت و فرهنگ «مجموعه مقالات». ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۱۶-۱۱۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). سبک‌شناسی معماری ایرانی. گردآوری غلام‌حسین معماریان. تهران: سروش دانش.
- جکسن، ابراهیم و ویلیلمز، و. (۱۳۶۹). سفرنامه جکسن، ایران در گذشته و حال. ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای. تهران: خوارزمی.
- حائری، محمدرضا. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- درهوهانیان، هاروتون. (۱۳۷۹). تاریخ جلفای اصفهان. مترجمان: لئون. گ. میناسیان و محمدعلی موسوی فریدنی. اصفهان: زنده‌رود.
- دیولافوا، ژان. (۱۳۷۱). ایران «کلده و شوش». تهران: دانشگاه تهران.
- رایپوپورت، آموس. (۱۳۸۸). انسان‌شناسی مسکن. ترجمه خسرو افضلیان. تهران: حرفه هنرمند.
- سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. (۱۳۵۳). پرونده ثبتی خانه حقیقی. اصفهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۳). پرونده ثبتی خانه سوکیاسیان. اصفهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۳). پرونده ثبتی خانه مارتا پیترز. اصفهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۴). پرونده ثبتی خانه مجلسی. اصفهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۴). پرونده ثبتی خانه مشکی. اصفهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). پرونده ثبتی خانه داوید. اصفهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). پرونده ثبتی خانه سیمون. اصفهان.
- سازمان نوسازی و بهسازی اصفهان. (۱۳۹۱). عکس هوایی سال ۱۳۳۵ اصفهان.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۴). نابین، شهر هزاره‌های تاریخی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سیفیان، محمدکاظم و محمودی، محمدرضا. (۱۳۸۶). محرمیت در معماری سنتی ایران. دوفصل‌نامه هویت شهر، ۱، ۱۴-۳.
- شاردن، ژان. (۱۳۷۴). سفرنامه شاردن. ترجمه اقبال یغمایی. جلد چهارم. تهران: توس.



- شرکت عمران و مسکن‌سازان. (۱۳۸۸). پرونده خانه مدنی (مجلسی). اصفهان.
- شفقی، سیروس. (۱۳۷۹). اصول شهرسازی اصفهان عصر صفوی. فرهنگ اصفهان، (۱۵)، ۳۵-۵۱.
- شیل، مری. (۱۳۶۲). خاطرات لیدی شیل، همسر وزیرمختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نشر نو.
- صدر هاشمی، محمد. (۱۳۲۵). احوال بزرگان: حاجی محمدحسین خان صدر اصفهانی ملقب به نظام‌الدوله. ماهنامه یادگار، (۱۸).
- صفرپور، محمدجواد. (۱۳۸۷). طرح مرمت خانه مشکی. طرح تحقیقاتی. دانشگاه هنر اصفهان.
- طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۸۰). تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران. تهران: علمی و فرهنگی.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۵). مفهوم فرهنگ خانه در ایران. انجمن جامعه‌شناسی ایران. <http://www.isa.org.ir/node/1185> (بازیابی شده در تاریخ مرداد ۱۳۹۰).
- فلسفی، نصرالله. (۱۳۵۳). زندگانی شاه‌عباس اول. جلد سوم. تهران: دانشگاه تهران.
- قازاریان، م. (۱۳۶۳). هنر نقاشی جلفای نو. ترجمه ا. گرمانیک. تهران: هیوادگاریان.
- قاسمی سیچانی، مریم. (۱۳۸۷). بازشناسی بخشی از هویت معماری ایرانی به وسیله تحلیل گونه‌شناسانه خانه‌های اصفهان در دوره قاجار. رساله دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات، دانشکده هنر و معماری. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). مصاحبه. اصفهان. پژوهشکده هنرهای سنتی و اسلامی.
- قاسمی سیچانی، مریم و معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۹). گونه‌شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان. هویت شهر (۷)، ۸۷-۹۴.
- کاراپتیان، کاراپت. (۱۳۸۵). خانه‌های آرامنه جلفای نواصفهان. ترجمه مریم قاسمی سیچانی. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- گریگوریان، وارطان. (۱۳۸۶). اقلیت‌های اصفهان «جامعه آرامنه اصفهان ۱۵۸۷-۱۷۲۲ م. / ۹۹۶-۱۳۵ ه.ق.». مجموعه مقالات اصفهان در مطالعات ایرانی. ترجمه محمدتقی فرامرزی و سیدداود طبایی. گردآورنده رناتا هالود. جلد نخست، تهران: فرهنگستان هنر. ۳۷۳-۴۰۲.
- لباف خانیکی، رجب‌علی. (۱۳۷۴). ملاحظه شرف انسانی در معماری سنتی ایران. مجموعه مقالات نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم. جلد نخست، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۲۷۴-۲۷۷.
- معماریان، غلامحسین؛ هاشمی طغراالجودی، مجید و کمالی‌پور، حسام. (۱۳۸۹). تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه: مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان. فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی، ۲، (۳)، ۱۱-۲۵.
- ملکم، سرجان. (۱۳۸۰). تاریخ کامل ایران. ترجمه میرزااسماعیل حیرت. تهران: افسون.
- منتظر، احمد. (۱۳۸۹). مصاحبه. اصفهان: دانشگاه هنر.
- میناسیان، لئون. (۱۳۸۷). نگاهی مختصر به خانه‌های قدیمی جلفای نو اصفهان. فرهنگ اصفهان، (۴۲-۴۱)، ۹۵-۱۰۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). مصاحبه. اصفهان: منزل.
- نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۹۰). نقش تجار ارمنی در توسعه خانه‌های اصفهان. ارائه شفاهی در همایش انسان‌شناسی هنر. دانشگاه هنر اصفهان.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۵). معماری و شهرسازی اسلامی «مبانی نظری». تهران: راهیان.
- نوری، منیژه. (۱۳۸۵). سیمای کلی تجارت خارجی ایران در دوره افشاریه و زندیه. فصل‌نامه مسکویه، پیش‌شماره ۳، ۱۵۲-۱۳۱.
- والی‌نژاد، مرتضی. (۱۳۸۱). کارکرد بازاریان و بازارگانان در دوره قاجاریه و تشکیل مجلس تجارت. ماهنامه نامه اتاق بازرگانی، (۴۱۸).
- ولی‌پور، فریبرز. (۱۳۸۶). حفظ و مرمت دیوارنگاره قاجار متعلق به اتاق فوقانی ضلع غربی خانه حقیقی اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی مرمت آثار تاریخی. دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده مرمت.
- Kiyani, k. (2009). IRAN- The Land of Peace & Love: Soukiazians House- Esfahan. Fotopages. Available at: <http://shw.kousha.fotopages.com/21178509.html>. (Access date: August 27, 2011).
- Memarian, Gh. Brown, E, F. (2003). Climate, Culture and Religion Aspects of the Traditional Courtyard House in Iran. *Journal of Architectural and Planning Research*. 20 (3), 181-198.